

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

بحث در مقدمه واجب بود، مطرح شد آیا مقدمات واجبات شرعی، وجوب شرعی دارند یا نه؟ اگر وجوب شرعی داشته باشد باید ببینیم ثمره این وجوب چیست؛ در بحث های گذشته مستحضر شدید ما می گفتیم این مقدمات وجوب شرعی ندارند بلکه تصور دعوی جدی و واقعی برای ما مشکل است به خاطر اینکه لابدیت عقلی محل بحث نیست. اینکه مقدمات محبوب و مطلوب مولا است این نیز محل بحث نیست فقط بحث روی این است که آیا شارع در قانونگذاری اش غیر از وجوب ذی المقدمات، مقدمات را نیز واجب کرده است یا نه؟ کسی که آستینش را برای وضو بالا می زند و به سمت شیر آب می رود و شیر را باز می کند و به دنبال ما یصح السجود علیه می رود و... همه این ها آیا واجبات شرعی هستند؟ ما معتقدیم وجوب شرعی مقدمات لغو است چون وقتی ذی المقدمه واجب می شود لابدیت معلوم می شود اما وجوب شرعی استفاده نمی شود. ما می گفتیم حتی وجوب شرعی مقدمات، مفید تاکید نیز نیست. اگر دو مولا تصور کنیم مثلاً مادر دستور دهد پدر هم همان را دستور بدهد تاکید فهمیده می شود اما اینکه یک مولا یک مطلب را دوبار بیان کند مفید تاکید نیز نیست. یکی از دوستان از یکی از مراجع محترم تقلید مطلبی بیان کرده بودند که وجوب شرعی مقدمات مفید تاکید است و... ما از آن مرجع محترم سوال می کنیم آیا مفید تاکید است یا مفید تکرار؟ به نظر ما وجوب مقدمه در کنار وجوب ذی المقدمه مفید تکرار است نه تاکید. بعضی دوستان از معاصرین نقل کرده بودند که در مقدمه واجب روح حکم هست و...

ما می گوئیم بسیار خب شما منظورتان از روح حکم چیست؟ مطلوبیت است شوق (البته اگر تصور صحیحی از شارع نسبت به حب بتوانیم ترسیم کنیم) است؟ حکم اعتبار است به زمه گذاشتن است. و این نوع اعتبار دلیل می خواهد و از چنین اعتباری وجوب فهمیده می شود نه از حب و شوق؛ در خیلی از موارد ما حب و حسن داریم ولی معلوم نیست حکم شرعی داشته باشیم. مثلاً آیا احتیاط مستحب است یا نه؟ صاحب عروه در کتاب طهارت می فرماید: اجتناب از غساله احتیاطی مستحب است بعضی از اساطین فقه (مثل مرحوم آقای گلپایگانی) در حاشیه می فرمایند این احتیاط حسن یعنی خوب است اما نمی گویند مستحب است. البته برخی معتقدند احتیاط در طهارت و نجاست حسن نیست. ولی ما به این حرف اشکال داریم.

آیا فقها که گفته اند الاحتیاط حسن، آیا حسن عقلی منظورشان است یا حسن شرعی، یعنی آیا مستحب است؟

در بحث اطعمه و اشربه، آداب حمام و لباس پوشیدن و... روایاتی وجود دارد که از آن ها فهمیده می شود که شارع برخی چیزها را دوست دارد مثلاً شارع دوست دارد زن در زمان حاملگی غذای خوب بخورد تا بچه خوشکل و قوی شود اما آیا می توانیم بگوییم خوردن فلان غذا و... مستحب است؟

به نظر ما مستحب اعتبار می خواهد باید دلیلی داشته باشد مثل استحباب نوافل روزانه یا مستحب بودن نماز شب و...

در یک جا اهل بیت فرموده اند: اگر در آبی که دیگران غسل کرده اند غسل کنید و جذام بگیرید خودتان را ملامت کنید. یعنی

امام می فرماید: در آبی که دیگران غسل کرده اند شما غسل نکن چون بعضی ها مرض پوستی دارند و... جذام صدر اسلام

جذام الان نبوده است بلکه هر مرض پوستی را می گفتند. مرحوم مفتی الشیعه در این باره می فرماید: پس کراهت دارد. آیا واقعاً

از روایت امام می شود کراهت را فهمید؟ یا نه روایت دارد به این اشاره می کند که ممکن است بیماری پوستی بگیرید و...

باید حساب حب، مطلوبیت و شوق را از حساب وجوب یا استحباب جدا کنیم.

استاد: به نظر ما استحباب شرعی احتیاط ثابت نیست. بله خیلی خوب است که انسان اهل احتیاط باشد و... اما مستحب شرعی نیست.

مقدمه واجب شرعاً مطلوب شارع است اما اینکه واجب شرعی باشد درست نیست.

مرحوم میرزای قمی می فرماید: وقتی ذی المقدمه واجب شد عقل ما می گوید مقدمه را انجام بده از طریق عقل قاعده ملازمه می آید کل ما حکم به العقل حکم به الشرع... عقل هم رسول باطن است و لذا حکم شرعی از آن استفاده می شود.

استاد: با اینکه ما قاعده ملازمه را قبول داریم اما اینجا جای قاعده ملازمه نیست چرا که اینجا حکم عقل پس از حکم شارع است. جناب میرزا با همه عظمت اصولی که دارد اما اینجا نتوانسته است از قاعده ملازمه درست برداشت کند.

مرحوم میرزای قمی، عظمت اصولی اش از عظمت فقهی اش بیشتر است، صاحب جواهر هم یکجا از میرزا با عظمت یاد می کند اما می گوید فقهش فقه اعاجم است من در جلد دوم روش شناسی اجتهاد پس از نقل این کلام گفته ام آقای صاحب جواهر باید ببینیم فقه الاعاجم کمال است یا نقص به این مناسب از خودمان کمی دفاع کرده ایم و مواردی را ذکر کرده ام که صاحب جواهر خوش به فقه الاعاجم رسیده است و...

اگر یادتان باشد من در جلسه قبل سه نمونه را در وجوب یا عدم وجوب مقدمه واجب از مرحوم حائری، خویی و نائینی نقل کردم؛ مرحوم آقای حائری و نائینی قائل به وجوب مقدمه واجب بودند اما مرحوم آقای خویی قائل به عدم وجوب بودند. استاد: آیا آنچه را که مرحوم نائینی اثبات می کند مرحوم خویی نفی می کند؟ آیا آنچه را که مرحوم خویی نفی می کند مرحوم نائینی اثبات می کند؟ مثبتین روی شوق و حب و مطلوبیت مقدمه و... تمرکز دارند و منکرین این را رد نمی کنند. چیزی که منکرین روی آن تمرکز دارند و انکار می کنند اعتبار اضافه است.

تقسیمات مقدمات واجب

از اینجا به بعد ما تقسیماتی که در مورد واجب و مقدمه واجب مطرح شده است را بیان می کنیم.

سوال: مقدمه واجب چند قسم است؟ این سوال غلط است مثل این است که گفته شود کلمه چند قسم است. چیزی های که چند بار تقسیم می شوند. مثل اینکه کلمه تقسیم می شود به اسم و فعل و حرف یا کلمه تقسیم می شود به معرب و مبني و... سوال درست این که بپرسیم کلمه چه تقسیماتی دارد یا در مانحن فیه بگوییم مقدمه واجب چه تقسیماتی دارد. بعد از اینکه تقسیم معلوم شد از اقسام آن قسم سوال بپرسیم و...

مرحوم آخوند هم از تقسیمات مقدمه بحث کرده است هم از اقسام مقدمه.

استاد: من در این دوره نمی خواهم شما را معطل برخی از بحث ها بکنم از کفایه نقل می کنم ایشان مقدمه را چهار بار تقسیم می کند. در تقسیم اول می فرماید: مقدمه یا داخلی است و یا خارجی، در نماز رکوع، سجود، اجزا و... مقدمه داخلی هستند اما یکسری مقدمات داریم که خارجی هستند مقدمات خارجی مقدماتی هستند که از ماهیت واجب خارج است اینکه انسان باید سراغ آب برود یا قبله را بپرسد و... این ها مقدمات خارجی هستند. اما مقدماتی داریم که بین داخلی و خارجی است مقدماتی که تقدیشان جز است ولی خود قید خارج است مثلاً شما وضو می گیرید وضو جز اجزای نماز نیست اما این وضو طهارت می آورد و طهارت از شرایط نماز است. معمولاً در کلمات این مقدمات نیز جز مقدمات خارجی حساب می شود. استاد: البته اینکه این ها را جز داخلی یا خارجی مطرح کنند خیلی مهم نیست.

تقسیم مقدمه به مقدمات عقلیه، شرعیه و عادی؛ مقدمات عقلیه: اگر یک چیزی باشد که عقل می گوید نمی شود ذی المقدمه را بدون این مقدمه انجام داد مقدمه عقلی خواهد بود.

بعضی وقت ها مقدمه عقلی نیست بلکه شارع قرار داده است مثل طهارات ثلاث؛ گاهی هم عادی است معمولاً ما هر کاری که می کنیم از مقدماتی استفاده می کنیم ممکن است دیگری از این مقدمات استفاده نکند و ذی المقدمه را انجام دهد. البته مرحوم آخوند معتقد است مقدمات شرعی هم به عقلی برمیگردد چون وقتی شارع اعتبار کرد ذی المقدمه حاصل نمی شود مگر با آن مقدمه

تقسیم مقدمه به مقدمه وجود، مقدمه وجوب، مقدمه صحت، مقدمه علم؛ مرحوم آخوند معتقد است مقدمه صحت برمی گردد به مقدمه وجوب چون مقدمه صحت مأمور به است تا نیاید مأمور به نمی آید پس می شود مقدمه وجود.

گاهی برخی ها می گویند اسلام در عبادات، مقدمه صحت است.

مقدمه وجوب: مثل استطاعت برای وجوب حج

مقدمه علمیه: شما باید دست را کمی بالاتر از آرنج بشویید تا یقین کنید اعضای وضو کامل شسته شده است.

تقسیم مقدمه به مقدمه متقدم، مقدمه مقارن، مقدمه متاخر، شاید بعضی ها اشکال کنند و بگویند مقدمه متاخر چه معنا دارد؟ مرحوم آخوند در 13 صفحه تقسیمات مقدمه و اقسام مقدمه را برگزار می کند. ایشان می خواهد ببینید از این اقسام کدام قسم در محل نزاع داخل است و کدام داخل نیست.

مثلاً آیا مقدمه عادی هم جز محل نزاع است یا نه؟ مسلم مقدمه عادی جز محل نزاع نیست. ولی ما از ریشه این بحث را زدیم و گفتیم اصلاً نزاع در مقدمه واجب واقعی نیست و...

اگر کسی تقسیمات مقدمه را بداند خیلی مفید است. مضاف بر این در بحث تقسیم مقدمه به متقدم، مقارن و متاخر مباحث مهمی وجود دارد که ما را نیز متوقف می کند.

در محاورات علمی گاهی می گویند فلان چیز سبب است یا شرط است یا معد است یا عدم المانع است. من دوست داشتم برای شما این ها را به صورت فنی بیان کنم.

مقدمه ای که سبب است مثل ایجاب و قبولی که سبب زوجیت است. شرط: شرط آنجای گفته می شود که یا فاعلیت فاعل را تمام کند یا قابلیت قابل را مثل اینکه می گویند شرط شعله ور شدن هیضم این است که تر نباشد. عدم المانع: مثلاً وقتی باد می آید آتش روشن نمی شود چون مانع وجود دارد. معد: آمادگی می آورد مثل اینکه کسی که مسافرت می رود زاد و توشه بر می دارد. مرحوم شهید ثانی می فرماید: ما شرط وجوب داریم شرط صحت داریم شرط مباشرت داریم و شرط اجزا؛ ولی چون این ها برای ما مهم نیست بحث علمی نمی کنیم. ما فردا تقسیم مقدمه به متقدم، مقارن و متاخر را بررسی می کنیم که ببینیم درست است یا نه؟

الحمد لله رب العالمین